



بررسی مزیت کتاب‌های صوتی
ومطالعه‌آرزان‌تر از منظر نویسندگان و ناشران مشهدهی
صدایی که «کتاب» است

صفحه ۱۰

در «خطر و خط» امروز می‌خوانید
پیش‌بینی آغاز
جنگ جهانی سوم



صفحه ۱۶



www.shahraraonline.com

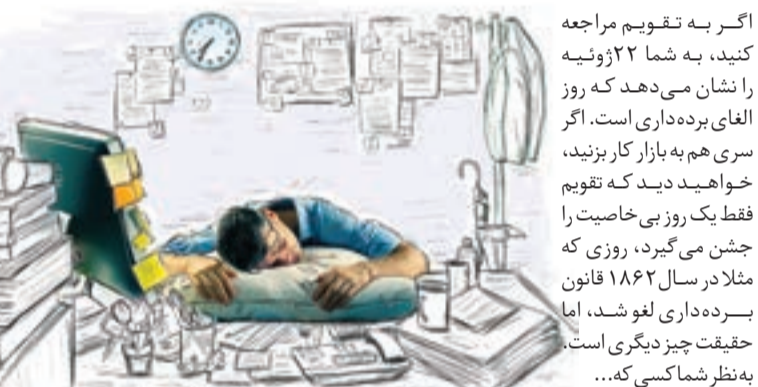
گفتگوی شهرآرا با سارق ۲ میلیونی که چهار روز پیش به مؤسسه مالی و اعتباری «ثامن» دستبرد زد

موتورم را فروختم اسلحه خریدم

صفحه ۱۵

برخی‌ها تمام طول سال بی‌وقفه کار می‌کنند تا بتوانند باز هم اندکی بیشتر کار کنند

کار، کار، بازم کار



اگر به تقویم مراجعه کنید، به شما ۲۲ ژوئیه را نشان می‌دهد که روز الغای برده‌داری است. اگر سری هم به بازار کار بزنید، خواهید دید که تقویم فقط یک روز بی‌خاصیت را جشن می‌گیرد، روزی که مثلاً در سال ۱۸۶۲ قانون برده‌داری لغو شد، اما حقیقت چیز دیگری است. به نظر شما کسی که...

صفحه ۱۲



در شب شادمانی قرمزپوشان

جشن قهرمانی پرسپولیس نوروزی نداشت!

صفحه ۱۱



ما چگونه ایم: قاسم رفیعا

جای خودمان باشیم
-توبگو چرا اینمار اون روز خوب توپ رو داخل دروازه فرو نکرد.
- دختر خواهر خودت بردار صبح ترش کرده بود؛ بنمار حالش گرفته بود. یا شاید به خاطر اون مطلبی که یکی از طرفداراش توی اینستاگرامش نوشته بود، مخصوصاً خط ششش که شائبه انتقاد از بنمار داشت، اون روز حسابی حالش گرفته بود.
ولی حقیقت این است که چهره شدن به آدم شخصیت نمی‌دهد؛ حتی ممکن است شخصیت انسانی آدم را هم زیر سؤال ببرد. نه اینکه همیشه همین‌طور است، اما واقعاً بسیاری از هنرمندان، ورزش‌کاران و چهره‌های سرشناس با وجود نگاه‌هایی که متوجه آن‌هاست به راحتی همان رفتارهای خاسر از عرش خود را انجام می‌دهند و همان آدم‌های بی‌ظرفیت، بی‌تربیت و بی‌اخلاقی که قبل از کشف شدن بوده‌اند باقی می‌مانند؛ فقط یک لایه ریاکارانه روی رفتارشان را می‌گیرد که طرفدارانشان را گول می‌زند، والا خودش به خوبی می‌داند که مال این حرف‌ها نیستند. من درباره ورزش‌کاران و هنرمندان خارجی عرض کردم؛ یعنی کلا این اخلاق‌ها مال خارجی‌هاست، والا هنرمندان و ورزش‌کاران و به اصطلاح «قهرمانان» ما که کوه اخلاق و معرفت و انسانیت و الگوی تمام‌عیار مردانگی هستند. اصلاً این خارجی‌ها همه چیزشان بد است، از آدم‌های معروفشان بگیر تا هنرمندان و سیاستمدارانشان، ولی هنرمندان ما ورزش‌کاران ما چقدر خوب‌اند! راستی چرا بعضی از ما نمی‌پذیریم که قبل از آنکه هنرمند باشیم انسانیم، قبل از آنکه ورزشکار باشیم یک شهروند وظیفه‌شناسیم؟! چرا باید دیگران در مقابل ما همه چیز را مراعات کنند و ما چون به مقام شامخ هنرمندی و قهرمانی نائل شده‌ایم از همه اصول و قواعد شهروندی معاف هستیم؟!...

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشتی به بهانه یک اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی

بروای فقیه و بامامفروش پارسایی



بیدل دهلوی شعر را با محک خیال تعریف می‌کند و شعریت یک شعر را در داشتن عناصر خیال فریه می‌بیند، و البته نه خیالی اندک‌مایه، خیالی که به ابهام و ابهام‌پهلوی‌بند و بتواند برای مدتی انجمن‌های شعر را در گره‌گشایی از آن سرگرد کند. این است که در چنین انجمن‌هایی شیخ راهی ندارد، و اگر خدای ناخواسته روزی گذرش به یکی از این مجامع ادبی بیفتد، جایگاهش همان جایگاه «فقیهی کهن‌جامه‌ای تنگ‌دست» است که در ایوان قاضی به صف در نشست بود و «نگه کرد قاضی در او تیزتیز/ نبرد و مجلس اندکی آماده شنیدن سخنان ایشان هر چه باشد دو ویژگی دارد که از قضا هر دو چندان

نگین بر دل‌های آماده نقش می‌کند؟ اینجاست که باید گفت بزرگ‌ترین قاعده‌شکنی سعدی این است که کارهایش بسیاری از تعاریف رایج و پذیرفته‌شده شعر را نادیده می‌گیرد و مخاطبش را مجاب می‌کند، فی‌المثل در این غزل از ایشان که می‌فرماید: «خبرت خراب‌تر کرد جراحت جدایی/ چو خیال آب روشن که به تشنگان نمایی // تو چه ارمانی آری که به دوستان فرستی؟ / چه از این به ارمانی که تو خویشتن بیایی // بشدی و دل‌بردی و به دست غم سپردی / شب‌رو روز در خیالی و ندانمت کجایی // تو جفای خود بکردی و نه من نمی‌توانم / که جفا کنم ولیکن نه تو لایق جفایی // چه کنند اگر تحمل نکنند زبردستان؟ / تو هر آن ستم که خواهی بکنی که پادشاهی // من از آن گذشتم ای بیار که بشنوم نصیحت / بروای فقیه و بامامفروش پارسایی...»

با مزاج ناقدان زمانه ما سازگاری ندارد. نه خیالش آن چنان شاخ و برگ گسترده و سایه‌گستری دارد و نه زبانش آن مایه کبکبه و دبدبه که خودش را به چشم‌ها بکشد و اذهان را مرعوب کند. شعر سعدی ساده و بی‌پیرایه است. اما چه رازی در این بی‌پیرایگی و سادگی شعر او هست اگر خدای جایگاه رفیعش را علی‌رغم بی‌مهری‌های دوران حفظ کرده و همین که گرد و خاک جریان‌ها و موج‌های گوناگون فرم و ساختار و غیره اندکی فرونشست و لاو‌نعم‌های فقیهان ادبی کاری از پیش نبرد و مجلس اندکی آماده شنیدن سخنان ایشان گشت به کلک فصاحت‌بیانی که دارد حرفش را چون

شعر خوانی خراسانی‌های پایتخت در تولد محمدعلی بهمنی

توشاعری، نه شعری، شعری زلال و روشن

متولد شده‌اند. استاد محمدعلی بهمنی نیز به تعداد تک‌تک ابیات خوششان یک بار دیگر متولد شده‌اند. همه تولدهایشان مبارک! او در پایان قطعه‌واره‌ای را که برای تولد محمدعلی بهمنی سروده بود برای این شاعر و دیگر حاضران خواند: «توشاعری نه شعری زلال و روشن / شعری که سبز و سرخوش چون داربست تاک است // گفتم زلال و روشن اما نه زخمی زوار / گفتم که سبز و سرخوش اما نه دردناک است // شعری که چارعنصر در آن رفیق‌دیرین / شعری که آب و آتش شعری که باد و خاک است // شعری که هیچ ترسی از هیچ‌کس ندارد / از دوست هر که پر شد از دشمنش چه باک است //؟ شعری شبیه دریا سرشار از تلاطم / شعری که بی‌قرار است شعری که سینه‌چاک است // شعری جلیل و جذاب شط

بهمنی را تریبیک گفت: «سالروز تولد استادم، وجود نازنین و زلال محمدعلی بهمنی را که تولد طراوت، مهر، روشنی و خرد است تریبیک می‌گویم. نام پرطنین محمدعلی بهمنی آن قدر در جان ما زنده شده که فکر می‌کنیم این نام را در تاریخ ادبیات خوانده‌ایم، نامی که به تکرار این سال‌ها در هر کجا که فضایی از مهر، معلمی و خردمندی است حضور و درخشش دارد...» وی در پایان یک شعر دوبیتی تقدیم بهمنی کرد: «گر چه شاعر شنیدنی باشد / بهتر آن است دیدنی باشد // در یکی این دو گر شود مجموع / شک‌ندارم که بهمنی باشد».

جشن ۷۵ سالگی محمدعلی بهمنی برگزار شد و آن هنرمندان و ادیبان از این شاعر پیش‌کسوت گفتند. به گزارش «ایسنا» بیست‌ودومین نشست «تولد ماه» به مناسبت زادروز محمدعلی بهمنی در موزه هنرهای دینی «امام علی (ع)» با حضور چهره‌هایی ادبی چون علی موسوی گرمارودی، مرتضی امیری اسفندقه، مصطفی محدثی خراسانی، جواد محقق، محمد سریر، فاضل نظری و امیرحسین سمیعی برگزار شد. نخستین سخنران این برنامه مصطفی محدثی خراسانی بود. او سخنرانی خود را با دو بیت از شعرهای خودش آغاز کرد: «سیدی و پر و بال فرشته‌ها و اشد / شب از کرانه هستی گذشت و فردا شد // به‌یمن نام بهار آرزو تو ای خورشید / گره ز کار فرو بسته زمین و اشد». او در سخنان کوتاهی تولد



درهم و برهم: علیرضا بلین

ای دیر به دست آمده بس زود برفتی

تماس صوتی تلگرام فقط ۲۴ ساعت عمر مفید داشت و با همان سرعت و شدتی که آمد با همان سرعت و شدت از میان ما رفت. آمدن تماس تلگرامی چنان موجی از شادی و شغف در جامعه ایجاد کرد که ناظران بی‌طرف خارجی گمان کردند که این اولین بار است که مردم ایران با پدیده‌ای به نام تماس تلفنی برخورد می‌کنند. ناظران و کارشناسان تعداد تماس‌های برقرار شده از طریق تماس صوتی تلگرام در یک شب را با تماس‌های تلفنی بین آلمان شرقی و غربی در شب بعد از فروپاشی دیوار برلین مقایسه کرده‌اند. مردم آن‌قدر به تماس صوتی تلگرام علاقه نشان دادند که اپراتورهای تلفن همراه آرزو کردند که ای کاش این استقبال حتی برای یک شب نصیب آن‌ها می‌شد. تماس صوتی تلگرام نیامده به خاطره‌ها پیوست تا ما یک نوستالژی دیگر به نوستالژی‌های دورانمان بیفزاییم. بعدها به همدیگر می‌گوییم: «یادته تلگرام تماس صوتی رایگان گذاشته بود به همه کس و کار و فامیل و آشنای دور و نزدیک توی همه شهرها و کشورهای مختلف به‌شبه‌زنگ‌زدیم و با همه چاق سلامتی کردیم؟!». یا فرزندان نسل‌های بعد به همدیگر می‌گویند: -تو متولد چه سالی هستی؟ -سال ۱۳۹۶. -هان! همون سالی که تماس صوتی تلگرام برای یک شب راه افتاد و بعدش فیلتر شد!

ادامه در صفحه ۱۰